

مهارت‌های شفاهی زبان

(آموزش زبان کاربردی با استفاده از آثار ادبی فارسی)

گلاویژ شیخ‌الاسلامی



انتشارات ایش

۱۳۹۷

سرشناسه: شیخ الاسلامی، گلاویز، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور: مهارت‌های شفاهی زبان: (آموزش زبان کاربردی با استفاده از
آثار ادبی فارسی) مؤلف: گلاویز شیخ‌الاسلامی
مشخصات نشر: تهران: اریش، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۳۵۶ ص: جدول، نمودار
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۳۵۷-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا
عنوان دیگر: آموزش زبان کاربردی با استفاده از آثار زبان فارسی
موضوع: ارتباط گفتاری
موضوع: Language arts
موضوع: مهارت‌های زبانی
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ م ۹۹ ش/ P۹۵
رده‌بندی دیویی: ۳۰۲/۲۲۴۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۷۰۳۲۹



مهارت‌های شفاهی زبان

(آموزش زبان کاربردی با استفاده از آثار ادبی فارسی)

مؤلف: گلاویز شیخ‌الاسلامی

طرح جلد: مریم شعبان

صفحه‌آرا: امید مقدس

چاپ: اول - ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰

چاپ و صحافی: قشقایی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۳۵۷-۱

بها: ۴۰ هزار تومان

تهران - انتشارات اریش

شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۹۰۳۸۱۳

info@arishpub.ir

www.arishpub.ir

کلیه حقوق این اثر، برای مؤلف محفوظ است

فهرست مطالب

مقدمه	۱۵
بخش نخست: دربارهٔ مهارت‌های شفاهی زبان (زبان کاربردی)	۲۳
فصل اول: مهارت‌های شفاهی زبان	۲۸
۱. مهارت صحبت کردن	۲۸
۱.۱. آدابیت سخن و سخنوری	۲۸
۱.۲. آرای برخی از نظریه‌پردازان و پژوهشگران غیر ایرانی دربارهٔ صحبت کردن	۳۰
۱.۲.۱. بایگیت	۳۱
۱.۲.۲. هربرت اچ. لارک	۳۹
۱.۲.۳. اون هارجی و دیگران	۴۳
۱.۲.۴. گرایس	۵۲
۱.۲.۵. لیچ	۵۷
۱.۲.۶. براون و لوینسون	۵۸
۱.۳. آرای نظریه‌پردازان ایرانی	۶۰
۱.۳.۱. زندگی	۶۰
۱.۳.۲. ضیاء حسینی	۶۴
۲. مهارت گوش دادن	۶۵
۲.۱. اهمیت گوش دادن به‌مثابه یک مهارت	۶۸
۲.۲. آرای برخی از نظریه‌پردازان و پژوهشگران غیر ایرانی دربارهٔ گوش دادن	۷۲
۲.۲.۱. تونی لینچ	۷۲
۲.۲.۲. اون هارجی و دیگران	۷۴

۲. ۲. ۳. لاری آلن نادینگ.....	۷۷
۲. ۳. آرای نظریه پردازان ایرانی	۸۳
۲. ۳. ۱. زندگی	۸۳
۲. ۳. ۲. ضیاء حسینی	۸۴
فصل دوم: اصول و مؤلفه های مهارت های شفاهی زبان، حاصل ترکیب و تلفیق	
آرای نظریه پردازان غیر ایرانی و پژوهشگران ایرانی.....	۸۶
۱. فرآیندهای پیش نیاز مهارت های شفاهی (تمدن)	۸۷
۱. ۱. تفکر	۸۷
۱. ۲. مشارکت	۸۷
۱. ۱. دانش	۸۷
۱. ۴. نکته - حی و دقت	۸۸
۲. اصول و مؤلفه های مهارت صحبت کردن	۹۰
۲. ۱. اصل کمیت	۹۰
۲. ۲. اصل کیفیت	۹۰
۲. ۱. ۲. ۱. کیفیت محتوا	۹۱
۲. ۲. ۱. ۱. کیفیت	۹۱
۲. ۲. ۲. ۱. ۲. ربط	۹۱
۲. ۲. ۱. ۳. ادب	۹۱
۲. ۲. ۲. کیفیت بیان (روش)	۹۲
۳. اصول و مؤلفه های مهارت گوش دادن	۹۵
۳. ۱. مراحل گوش دادن	۹۶
۳. ۱. ۱. درک	۹۶
۳. ۱. ۲. پردازش	۹۶
۳. ۱. ۳. کاربرد	۹۶
۳. ۲. انواع گوش دادن	۹۶
۳. ۱. ۲. ۱. گوش دادن فعال	۹۶

۹۶	۱. ۱. ۲. ۳. گوش دادن غیر رقابتی
۹۷	۱. ۲. ۳. گوش دادن رقابتی
۹۸	۲. ۲. ۳. گوش دادن انفعالی یا منفعلانه
۹۸	۱. ۲. ۲. ۳. ارادی
۹۹	۲. ۲. ۲. ۳. غیر ارادی
۹۹	۳. ۳. موانع گوش دادن
۹۹	۱. ۳. ۳. موانع گوش دادن از طرف گوینده
۱۰۰	۲. ۳. ۳. موانع گوش دادن از طرف شنونده
۱۰۱	۴. ۳. سطوح ارتباط
۱۰۱	۱. ۴. ۳. قالب‌ها (کلیشه‌ها)
۱۰۱	۲. ۴. ۳. حقایق
۱۰۲	۲. ۴. ۳. افکار و باورها
۱۰۲	۴. ۴. ۳. احساسات و عواطف
	بخش دوم: شواهدی از آثار ادبی فارسی دربارهٔ مهارت های شفاهی زبان و مؤلفه‌های آنها
۱۰۵	
	فصل اول: بازتاب فرآیندهای پیش نیاز مهارت های شفاهی زبان (تمدن) در آثار ادبی فارسی
۱۰۸	
۱۰۸	۱. تفکر
۱۱۷	۲. مشارکت
۱۳۳	۳. دانش
۱۴۲	۴. نکته‌سنجی و دقت
۱۴۷	فصل دوم: جلوه‌های مهارت صحبت کردن در آثار ادبی فارسی
۱۴۷	اصول کلی صحبت کردن
۱۴۷	۱. کمیت
۱۴۷	۱. ۱. کم‌گویی و پرهیز از پرگویی
۱۵۳	۲. ۱. اندازه‌گویی

۱. ۳. پرگویی و گزافه‌گویی و تکرار سخن	۱۵۴
۲. کیفیت	۱۵۸
۱. ۲. کیفیت محتوا	۱۵۸
۱. ۱. ۲. اصل کیفیت	۱۵۸
۱. ۱. ۱. ۲. ارزش و تأثیر سخن	۱۵۹
۱. ۱. ۲. راست‌گویی و پرهیز از دروغ‌گویی	۱۷۶
۱. ۱. ۲. یاوه‌گویی و پرهیز از آن	۱۸۷
۱. ۱. ۲. لاف زدن و پرهیز از آن	۱۸۹
۱. ۱. ۲. چاپلوسی و جرب‌زبانی و دورویی، مؤلفه‌هایی با وجهه منفی ...	۱۹۰
۱. ۱. ۲. عیب‌جویی و غیبت و بهتان	۱۹۴
۱. ۱. ۲. سخن‌بینی و نکوهش آن	۱۹۷
۱. ۱. ۲. بدترری	۱۹۹
۱. ۲. اصل ربط	۱۹۹
۱. ۲. آماده‌سازی و بראعت استهلال	۱۹۹
۱. ۲. سخن به‌جا و ناب‌جا	۲۰۰
۱. ۲. رعایت تناسب و اقتضا	۲۰۹
۱. ۲. خاتمه دادن؛ حسن ختام	۲۱۶
۱. ۳. اصل ادب	۲۱۷
۱. ۳. نگاهداشت زبان و برگشت‌ناپذیری کلام	۲۱۷
۱. ۳. نرم‌گویی و نزاکت و درشت‌گویی و خشونت در کلام	۲۲۴
۱. ۳. علاقه به درک شدن و آزادی عمل در گفتار	۲۳۴
۱. ۳. عیب‌گویی و نکوگویی	۲۳۹
۱. ۳. تواضع و تکبر و خودستایی	۲۴۰
۱. ۳. رازداری و رازگویی	۲۴۱
۱. ۳. سخن درگوشی (پیچ کردن) در جمع	۲۴۸

۲۴۸.....	۲. ۱. ۳. ۸. انتقاد کردن
۲۴۸.....	۲. ۲. کیفیت بیان
۲۴۹.....	۲. ۲. ۱. فصاحت و زبان آوری و فن بیان
۲۵۲.....	۲. ۲. ۲. سنجیده‌گویی و پرورده‌گویی و وجود نظم و انسجام در کلام
۲۵۶.....	۲. ۲. ۳. صراحت و کنایت (پوشیده سخن گفتن)
۲۵۸.....	۲. ۲. ۴. خاموشی
۲۶۶.....	۲. ۲. ۵. ایجاز و اطناب
۲۶۹.....	۲. ۲. ۶. حاضر جوابی
۲۷۰.....	۲. ۲. ۷. سوگند خوردن
۲۷۲.....	۲. ۲. ۸. تله کردن
۲۷۴.....	۲. ۱. ۹. بیان سبالغه‌آمیز
۲۷۴.....	۲. ۲. ۱۰. استراوری در سخن گفتن
۲۷۴.....	۲. ۲. ۱۱. پیغام‌سازی
۲۷۹.....	فصل سوم: جلوه‌های مهارت گوش دادن در آثار ادبی فارسی
۲۷۹.....	۱. مراحل گوش دادن
۲۸۴.....	۲. انواع گوش دادن
۲۸۴.....	۲. ۱. گوش دادن فعال
۲۸۴.....	۲. ۱. ۱. گوش دادن غیر رقابتی
۲۹۴.....	۲. ۱. ۲. گوش دادن رقابتی
۲۹۷.....	۲. ۲. گوش دادن انفعالی یا منفعلانه
۲۹۷.....	۲. ۲. ۱. ارادی
۲۹۹.....	۲. ۲. ۲. غیر ارادی
۲۹۹.....	۳. موانع گوش دادن
۲۹۹.....	۳. ۱. موانع گوش دادن از طرف گوینده
۳۰۰.....	۳. ۲. موانع گوش دادن از طرف شنونده
۳۱۱.....	۴. سطوح ارتباط

۳۱۵.....	۴. ۱. قالب‌ها و کلیشه‌ها
۳۱۲.....	۴. ۲. حقایق
۳۱۲.....	۴. ۳. افکار و باورها
۳۱۲.....	۴. ۴. احساسات و عواطف
۳۱۴.....	گفتار پایانی
۳۱۵.....	ضمیمه: تاریخ ادبیات
۳۴۴.....	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

گفتار آغازین

زبان برجسته‌ترین وجه تمایز انسان و حیوان است که به بشر این امکان را داده تا به کمک هم و وسیله به ظاهر ساده، اما به غایت پیچیده و گسترده، گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین روابط انسانی را در هر زمان و در هر کران رقم بزند؛ گذشته را به حال و حال را به آینده پیوند زند و فاصله‌های مکانی را از میان بردارد. به علاوه زبان، این ابزار ارتباط و انتقال پیام، ماده‌ای برای ملت‌هاست و یک ملت تا زمانی زنده است که به زبان خاص خود سخن گوید. رقت زبانی می‌میرد، اهل آن زبان نیز دیگر وجود ندارند؛ زیرا که جزیی از یک قوم یا ملت دیگر شده‌اند. تاریخ بشریت مرگ بسیاری ملت‌ها را به واسطه مرگ زبانشان به چشم دیده است. از طرف دیگر زبان در هر زمان می‌تواند موجب آزادی و رهایی ملتی از چنگال بیگانه باشد؛ خصوصاً اگر آن ملت، در راه کسب توانش زبانی و ارتباطی خود گام بردارد و مهارت‌های چهارخانه زبانی گوش‌دادن، صحبت‌کردن، خواندن و نوشتن را با تسلط به کار گیرد.

زبان فارسی یکی از زبانهایی است که از دوران گذشته تاکنون، فخیم و استوار مانده است. واقعاً راز ماندگاری این زبان چیست که توانسته است از پس قرون و اعصار، بعد از عربی دومین زبان نیرومند جهان اسلام باشد!

«زبان فارسی نه واقعیتی قومی است، نه جغرافیایی؛ بلکه واقعیتی است فرهنگی و تاریخی و این بدان معنی است که همه اقوام ایرانی از رهگذر این زبان در فضای یک فرهنگ یگانه و به پشتوانه تاریخ و سرنوشتی یگانه به یکدیگر می‌رسند و ملتی یگانه را پدید می‌آورند. این یگانگی فرهنگی و تاریخی که در آیین زبان فارسی متجلی است تا به حدی است که هیچ معلوم نیست سهم هریک از اقوام ایرانی در «پی افکندن» آن چه حد است. نیز معلوم نیست پدیدآورندگان این تاریخ و فرهنگ هریک اصالتاً از کدامیک از اقوام ایرانی برخاسته‌اند؟ آیا ترک بوده‌اند که در شیراز می‌زیسته‌اند یا فارس که در

کردستان و یا کرد که در خراسان؟ همین سرشت فرهنگی-تاریخی زبان فارسی سبب شده است که این زبان هیچ‌گاه حد و مرز جغرافیایی مشخصی نداشته باشد، بلکه همواره چون حجمی عظیم از آب شکل بستری را به خود بگیرد که در آن جاری بوده است. از این لحاظ زبان فارسی تا حدودی به زبانهایی نظیر سنسکریت، لاتین یا عربی مانند است که هرکدام، فارغ از هر حد و مرز قومی - جغرافیایی، به فرهنگ و تاریخ یگانه‌ای تعلق داشته‌اند» (حق‌شناس، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

هدف کلی این بررسی، دستیابی به دیدگاهی روشن درباره جایگاه و اهمیت مهارت‌های شفاهی زبان در آثار ادبی فارسی است و در نتیجه دستیابی به چارچوب منسجمی از مؤلفه‌های مهارت‌های شفاهی از طریق تلفیق آرای پدیدآورندگان آثار ادبی با نظریات محققان غربی ایرانی، مدنظر است.

اهداف جزئی نیز، مانند تعیین میزان توجه هریک از بزرگان آثار ادبی شعر و نثر فارسی به زبان کاربردی و نحوه تعامل مراد با یکدیگر است.

اگر بزرگان ادب ایران، در هر دورای نسبت به حفظ و گسترش زبان فارسی در خود تعهدی نمی‌دیدند، وضع این زبان امروز چگونه بود؟ شاید زبان فارسی در حاشیه بود و جای آن را عربی، مغولی و یا ترکی گرفت بود و ما از میراث ادبی و فرهنگی گرانبهایی که در جهان با آن شناخته شده‌ایم، محروم بودیم.

ضرورت این پژوهش عمدتاً مبتنی بر تجارب محققان تدریس زبان و ادبیات فارسی نگارنده در دبیرستان و پیش‌دانشگاهی و نیز یافته‌هایی درباره استفاده نامطلوب و غیر مسئولانه از زبان فارسی در سطح جامعه است که هم به‌صورت وسیع در رسانه‌های گروهی بازتاب دارد و هم در بسیاری از آثار چاپی غیرادبی دیده می‌شود. با چنین موارد، نفوذ گسترده و پوسرعت ارتباطات الکترونیکی، که کاربران آنها، خود را فارغ از پایبندی به هرگونه اصولی در «بیان» و «نوشتن» می‌دانند، هر ذهن حساسی را به‌روشنی در برابر این هشدار قرار می‌دهد که زبان فارسی اگر حفاظت نشود، با خطری جدی روبه‌رو خواهد بود. این خطر نه در عرصه ادبیات، که در حوزه مهارت‌های زبانی مطرح است؛ چرا که ادبیات گستره‌ای تخصصی است، اما مهارت‌های زبانی، میدان حضور عموم مردم است و هر آسیبی، از این جبهه به زبان وارد می‌شود. امید که با انجام چنین تحقیقاتی بتوان زبان فارسی را از گزند هرج و مرج ناشی از کاربردهای ناپسند آن دور نگاه داشت.

از دیرباز نظام آموزشی، بر این شیوه بوده است که زبان و ادبیات فارسی را یکی بداند و از مجموعه دروسی همچون متون کهن فارسی، دانش‌های ادبی، دستور زبان، تاریخ ادبیات، املا و انشا، تحت عنوان کلی «ادبیات» برای آموزش زبان فارسی استفاده کند. تکیه بر این شیوه آموزش در مقاطع مختلف تحصیلی، زبان‌آموزان را از آشنایی علمی و واقعی با زبان فارسی و آموختن مهارت‌های چهارگانه آن یعنی گوش‌دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن دور نگه داشته و باعث شده است که با این درس نیز، همچون درس‌های دیگر برخورد شود؛ به این معنی که در چارچوب کلاس و صرفاً به‌خاطر گرفتن نمره، دانش‌مندان شعری را حفظ کنند، متنی را بدون درک معنی آن روخوانی کنند، املائی از دهن دشوار ادبی بنویسند که بیشتر کلماتشان امروزه به‌کار نمی‌رود، یا انشایی قالبی با موضوع‌های تکراری رونویسی کنند و نام چند شاعر و نویسنده معروف و آثارشان را بدون تحلیلی از زندگی و سبک کارشان، به نام تاریخ ادبیات به‌خاطر بسپارند.

اگرچه همواره در قالب درس ادبیات به آموزش بعضی مهارت‌های زبانی پرداخته شده است، هیچ‌گاه این کار به‌صورت جدی و به‌عنوان ضرورت زندگی و لازمه ارتباطات اجتماعی مطرح نبوده است. امروز سم‌علی رغم تغییراتی که در کتاب‌های درسی داده شده و در مقطع متوسطه دو یا سه ساعت به درسی به نام زبان فارسی (شامل: زبان‌شناسی، نگارش، دستور زبان و املا) اختصاص یافته است، به‌خاطر عدم برنامه‌ریزی درست و نیز نبود نیازسنجی علمی باز هم جایی برای آموزش مهارت‌های زبانی، به‌ویژه مهارت‌های شفاهی (گوش‌دادن و صحبت کردن) - بر وجهی که زبان‌آموز را مجهز به دو توانش زبانی و ارتباطی، راهی جامعه کند- وجود ندارد.

برای رویارویی با معضل عدم توجه به اهمیت کسب مهارت‌های زبانی به‌ویژه مهارت‌های شفاهی، راه‌های زیادی وجود دارد، ازجمله: استفاده از جدیدترین شیوه‌های آموزش زبان با تکیه بر زبان‌شناسی تربیتی یا زبان‌شناسی اجتماعی، واژه‌سازی و تدوین فرهنگ لغت و اصطلاحات جدید، بازنگری در قواعد دستوری یا تغییراتی در رسم‌الخط. یکی از راه‌هایی هم که در این ارتباط در چند سال اخیر به آن توجه شده است، ایجاد رشته «آموزش زبان فارسی» در مقطع کارشناسی ارشد است.

در مطالعه حاضر، نظر بر این است که در کنار منابع و آثار علمی مختلفی که درباره مهارت‌های شفاهی زبان در رشته «آموزش زبان فارسی» در کارشناسی ارشد تدریس

می‌شود، از همان سنت دیرینه آموزش ادبیات - درواقع آثار ادبی فارسی - برای آموزش مهارت‌های شفاهی استفاده شود؛ اما این بار با رویکردی علمی و به‌عنوان مکمل آثار علمی موجود؛ زیرا صحبت کردن و گوش دادن، به‌عنوان دو عامل عمده در تعیین نحوه روابط اجتماعی همواره مد نظر بوده است.

بزرگان ادب فارسی، همچون فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ، نظامی و... با بهره‌گیری از تعالیم اسلام و زبان شیرین فارسی و فرهنگ غنی ایرانی و قریحه ذاتی و خدادادی خود به سخن، جان بخشیده‌اند و در پرده حماسه، داستان، تمثیل و پند و اندرز به این مهارت‌های زبانی پرداخته‌اند و در تأثیر سخن ایشان همین بس که سه بیت مشهور سعدی: «بن آدم اعضای یکدیگرند...» از ابتدای تأسیس سازمان ملل متحد، شعار آن سازمان و زیت بخش سردر آن شده است؛ و سال ۲۰۰۷ به نام مولوی نامبردار گشت و آثار آنان به پیشتر زبان‌های نده دنیا ترجمه شده است.

در زمینه مهارت‌های زبانی، به‌ویژه مهارت‌های شفاهی، منابعی که برگرفته از فرهنگ و ویژگی‌های اجتماعی ایران باشد به اندازه کافی وجود ندارد؛ لذا با مراجعه به آثار ادبی فارسی، تلاش بر این است که اهمیت کسب مهارت‌های زبانی و توانش ارتباطی به گونه‌ای که در این آثار جلوه‌گر است و ریشه در فرهنگ و تاریخ این مرز و بوم دارد، برجسته شود؛ بلکه از این طریق بتوان به بنان و پایه‌های نوجویی زبان فارسی کمک کرد؛ زیرا «اوج نوآوری راستین همان سنت‌گرایی است و راج سنت‌گرایی راستین، همانا نوآوری» (حق‌شناس، ۱۳۸۳، به نقل از تی. اس. الیون، ۱۹۹۳). این سخن الیوت را می‌توان این‌گونه توضیح داد: «سنت به چیزی گفته می‌شود که دوره آن سپری شده است؛ ولی در عین حال ما فراموش می‌کنیم که خودمان نیز داخل یک سنت‌هایی زندگی می‌کنیم. امروزه حتی بعضی از شاعران معاصر، منشأ سنت‌ها و کلیشه‌هایی شده‌اند که هم‌ردیف شاعرانی مانند احمد شاملو، فروغ فرخزاد، و سهراب سپهری است. پس کلیشه یک نوع آکادمی است و سنت جزء کارهای هنری است. از بین رفتن سنت به معنی برقرار شدن بی‌سنتی نیست؛ ولی شاید مدتی باعث آشفتگی شود و مسیر تحول آن به این ترتیب است که وقتی سنتی از بین می‌رود، از آن چند نکته جا می‌افتد و دوباره سنت جدید شروع می‌شود» (معصومی همدانی: ۱۳۸۵).